

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه جن (جله سوم)

نقم مفهومی استادانوت ۹۳/۸/۳

آدم در دنیا یا مکه ایست یا مدینه‌ای.. سوره ها همه این دو جا بوده اند. پس تمام خاطرات آدم همین جاها و از همین جنس هاست.

در مکه یکی از جاهایی که هست مختص جن است. یا مسجد جنی هاست یا محل حبس جنیان است. آنچه مسلم است این است که از آن سمت جنیان عبور کرده اند. معلوم است یک فضاهایی برای اینها وجود دارد که امکان حضور یا تردد در آن را دارند. این موضوع طبق روایات و شواهد باید محل های خاصی باشد، به لحاظ اقلیمی و گرنه اجنه حاضر نمی شوند.

امروز سراغ سوره جن می رویم.

برای این که این سوره آثار برایمان داشته باشد دعا کردیم. آنچه برایم جالب بود این بود که در روحانی ترین حالاتی که ما به آن دست پیدا می کنیم و خیلی هم شاهکار نیست، موافقی است که انسان مثلا در کنار کعبه یا طواف یا کنار قبر پیامبر قرار می گیرد. این ها موافقی است که حس معنوی آدم گل می کند و شکوفا می شود. در آن مواقع حسی که به من دست داد حس مشابه کلاسهای قرآن بود. احساس کردم که این حس قبلا جایی تجربه شده و دلالت یافتم به اینکه جلسات قرآن خودش یک شعبه ای از بیت الله یا حرم الله است. فرقی هم نمی کند کدام حرم. جالب بود که ارتباط و انس با قرآن چیزی است که هیچ معادلی ندارد حتی خود بیت و حرم هم معادلش نیستند. علتش این است که به هر حال شما برای کسب معنویت در آنجا نیاز به حرکت فیزیکی دارید. ولی قرآن متنی است که هر روز دست شماست در اختیار شماست. می شود آن معنویت را با خواندن قرآن حاصل کرد. نکته ای که برای خودم جالب بود این بود که خواندن قرآن به صورت جمعی آن معنویت را ایجاد می کند که ممکن است فردی بودن خواندن قرآن آن را ایجاد نکند مثل طواف یا سعی. فرض کنید یک نفر طواف کننده باشد، ممکن است این قدر معنویت که در شلوغی هست برایش ایجاد نشود. طبیعتا خود این جمع ایجاد برایش معنویت می کند. به ذهنم رسید که خود خواندن قرآن به صورت جلسات و جمعی ولو معمولی و ساده، مثل طواف است دور یک سوره. قدر جلسات قرآن برایم واضح شد. گفتم ان شاءالله این خبر

خوب را شما بدهم. که کعبه بین دو دست شماست و شما در حرم خدا باید وقتی که با قرآن هستید. هر جلسه قرآنی احساس کنید که در حرم خدا و فکر کنید که در حال طواف و نماز و توجه به خدا هستید. این کار را که کردید می بینید در کعبه هم که رفتی این حسها برایتان آشناست.

معنویتی که خدا و اهل بیت ما را به آن دلالت می دهند در یک منطقه خاصی محبوس نیست. معنویتی نیست که بگویید من این حال فقط در فلان جا بهم دست می دهد.

ان شا الله قدر جلسات قرآن را بیشتر بدانیم. ان شا الله این اتفاق مدام برای ما بیفتد و ما دائم در جلسه قرآن باشیم. ان شا الله اغنای جلسه قرآن علمی و معنوی باشد. معنوی بودنش باید بر علمی بودنش بچربد. همین که برخی می آیند و چیزی نمی فهمند، همین که فکر کنند که یک صبح تا ظهری کنار بیت خدا، داشتند کعبه را مشاهده می کردند، قوی ترها طواف می کردند علمی ترها نماز هم می خواندند برخی هم هر دو. دیگر همه اش خوب است. هر کس نوبت به نوبت جز هر دسته هست. مهم این است که ما را به این سرزمین راه داده اند. قرآن را دست کم نگیریم. قرآن کمتر از بیت الله نیست.

حقیقی بودن حج به این است که انسان را متمایل به بی گناهی کند. حقیقتش انصراف از غیر خداست. هر چه میل انسان را از غیر خدا برگرداند حقیقی است. والا کاذب است. اگر شما را به مراعات و تقوای بیشتر دلالت دهد، معلوم است که این حسش درست است. نشانه اش میل به ترک گناه است. چیزی که برای خود من خیلی سخت بود، یک موقعی قرآن خواندن آن لذت کافی را برای من نداشته باشد!

کعبه عظمتش معلوم است. خیلی راحت که طواف می کنی، یک حسی داری، می ترسم زمانی که بین کلام خدا و خانه خدا در حسم تفاوت حاصل شود. می ترسم از خواندن قرآن حس شادابی پیدا نکنم. در حالیه که این نزدیک به خدا است.

کلام خدا به خدا از بیت خدا نزدیک تر است.

این طوری فکر می کردم که اگر فقط می گفتند که این کعبه یک صفحه ای از صفحات قرآن است و افراد برای رویت این صفحه به این سرزمین سفر کنند. و مثلا دور این بسم الله طواف کنند، جا داشت..جا داشت که همه قرآن آنجا نوشته شود و آدمها بروند آنجا بخوانند. اما این را تبدیل به کتاب کرده اند و این نشانه رحمت پیامبر است تا عمومی و قابل دسترس شود. برای پیامبر اسلام این اتفاق افتد. شان قرآن واقعا عجیب و غریب است. من قبلا در جزوات یا مواردی این را گفته ام که قصد ما از جلسات از کتابها از روشها از همه اینها که نوشته-

ایم، وقوف در عرفات و منای قرآن است. می خواهیم فقط طرف بیشتر بنشیند و ببیند و بهانه درست کنیم برای این که بیشتر اینجا بماند. این بهانه خوبی است و ما را به هدایت نزدیک می کند.

همین که یک کاری بکنی بیشتر در این سوره بمانی، خوب است. در سرزمینهای مناسک حج همین حالت را دارد کاری می کنند در آنجا بمانی. غیر اعمال رمی جمرات فقط همان ماندن است. بمان در این سرزمین که آرزوهایت گل کند. باید جاهایی وقوف داشته باشی که آنجا ذکر خداست. مثل همین جلسات قرآن. از همان اول تا آخر ذکر خداست. فضا مال خداست. وقوفش معنا پیدا می کند. توفیق بدهد خدا ان شالله با وقوف در سوره های مختلف هدایتان را تضمین کنیم.

چیزی که خیلی به نظرم مهم است این است که آدم بخواهد تغییر کند بخواهد تغییر کند. بداند اینکه هست یا خوب نیست یا کافی نیست. در تغییر خودش انتظار داشته باشد و برای آن دنبال سوژه بگردد. شما نمی بینید اخلاق و باوری که من باید تغییرش دهم؟؟ میل به تغییر و حس و ضرورت تغییر خیلی اهمیت دارد. اطراف آدم خیلی باورها و اتفاقات می رود و می آید. خیلی اخلاقیات می آید و می رود که خیلی بهتر از خود ماست. اما چون ضرورتی برای تغییر نداریم، فقط اینها را می بینیم. اینها در سفر حج خیلی مهم است. چون همه برنامه هایش اجتماعی است. اگر میل به تغییر در آنها زیاد است. برخی می توانند فعال شوند، برخی کلا خاموشند. اگر روشن باشی در این فضا با همه چیزش چیزهای خوبی هست که از تو بهتر است. کارهای خوبی انجام می دهد که از تو خیلی بهترند. چرا روشن نمی کنی که هر جا که می روی یکی یکی درست ها را نگیری. می شود آدم صد بار حج برود اما تغییری نکند. واجبی را اقامه کند اما در آن واجب هیچ تغییری نکند.

جمود در ما هم هست. هیچ موقع نشده ما حج برویم، در نمازهایمان تغییری صورت بگیرد. در نوع قرآن خواندنیان و کارهایمان تغییر حاصل شود. علتش این است که آدم تا ضرورت تغییر را در خودش حس نکند، اصلاح نمی شود. ولو این که بزرگترین اتفاقات دورش بیفتد. قصد کنیم از همین جلسه روز به روز تغییراتمان مشهود و ملموس باشد.

اگر یک رفتاری بهتر از خودتان را دیدید روشن شوید آن را در سیستم تان اجرا کنید. نترسید. اگر هر کسی در حال تغییر بمیرد اجر مهاجر و مجاهد در راه خدا را دارد. به اندازه شتابش در تغییر در روز قیامت درجات دارد. شتاب در تغییر یعنی سرعت های لحظه به لحظه ای که در او تغییرات ثبت می شود. مثلاً یکی سالی یک بار تغییر می کند. یکی کمتر یکی دو هفته یک بار تغییر می کند. یکی روز به روز تغییر می کند. این سرعت را به لحظه برسان. تغییر ایجاد کن. این تغییرات را خیلی کم می بینیم. احساس می کند نمی تواند نمی شود. نه! خدا به انسان امکانش را داده است. یکی از مهمترین مشکلات اهل تسنن یا وهابیت مسدود کردن، حوزه تغییرات است.

بنابراین از ویژگی های شیعه بالعکس این است . نشود که ما خلقا و باورا و رفتار ما مثل اهل تسنن بشویم. اینطوری خیلی بد است. درباره این داستان تحلیل های مختلفی وجود دارد. همین ها را که بگویم، همین طوری می گویم.

ان شا الله برای این که ماه محرم ماه تغییر ما باشد، ماه این باشد که میل به تغییر و اصلاح در ما تقویت بشود، **صلوات**. جمود آنقدر در جامعه اسلامی زیاد شد که امام حسین هیچ چاره ای جز نثار خون خودش برای ایجاد تغییر ندیدند. این عدم تغییر آنقدر نهادینه شده بود که اباعبد الله هیچ چاره ای جز این ندیدند. این ها سه تا محور اسلام یعنی مسجد، قران و دیگری نماز بود که با تحریف ساقط شد. احکام نماز جور خاصی شد..

مثلا ما خوشحال می شویم که نماز را در ۵ نوبت میخوانند اما هیچ انعطافی در این واجب الهی نیست. کسی بخواهد نماز مستحبی بخواند نمی شود. انقدر که انعطاف در شیعه هست در نماز تسنن نیست. در مسجد در قرآن هم اینطوری است. یک قران خواندن اینجا را بخواهید رو نمایی کنید، همه تان محدود الدم اید. به طور واضح شما خونتان مباح است. همه چیز در یک مدل خاص بسته شده است.

این بنا شد که این سه تا علم اسلام باشد. تنها چیزی که می توانست این سه تا علم را با هم اصلاح کند خون بود. ببینید چقدر این قوت داشت. تنها راه چاره برای این معضل قوی و قوت دار خون بود.

ان شا الله که اهل بیت ما را به تغییر صلاح بشناسند و جز عبادی باشیم که مدام به سمت تغییر و اصلاح می رویم.

توصیه به کسانی که می خواهند به حج بروند: هر کسی در حج در صفات و اخلاقش تثبیت می شود. توصیه می - کنم صفات بدش را کنار بگذارد چون آنجا تثبیت می شود. آدم اگر بخواهد برود اصلاح بشود همین صفت هم تثبیت می شود. اغلب افرادی که رفته اند در صفاتشان تثبیت شده اند. این خطرناک و امیدوار کننده است. اولین توصیه این که سعی کنید حداقل صفت تغییر در شما تثبیت شود آزاد اندیشی هم ... هم در تو تثبیت می شود. سعی کن صفات بدت را حذف کنی. این که آدم دلش بخواهد آدم متفکر و متدبری باشد زمینه هایش برایش فراهم می شود. تثبیت می شود یعنی آدم مثلا متفکر ذخیره ای پیدا می کند برای تفکر. حج در تثبیت صفات موثر است. میل به حذف یا کلا حذفش را به دست بیاورید.

نکته دیگر این که ما انواع استطاعت داریم، پایین ترین سطحش مالی است. بعدی استطاعت بدنی بعدش روحی است. استطاعت روحش را ببرد بالا آن دو تای دیگر را این عامل بالا می برد. توصیه دوم این است که سعی کنید روی استطاعت روحی کار کنید ملقمه ای است از رغبت، آرزو و طلب. اگر در این جمع کسی باشد که واقعا

میل به حج داشته باشد و آرزویش را داشته باشد و دعایش را بکند، به او بگویند که نبا بخوان و او به خاطر آن رغبتش بکند. حتما استطاعت روحی را پیدا می کند.

بر هر انسانی وظیفه است که استطاعت روحی اش برای حج را در هر سال درست کند ولو اینکه به حج نرود. این باعث شراکت در ثواب و معنویت حاجیان خواهد بود.

آخر مراسم حج فکر کنید آقایی آنجا هست که وقتی می خواهد سفره حج را ببندد سهمیه ای گذاشته برای کسانی که می خواستند بیایند اما نشده. می فرستند برایشان.

چه بسا کسانی استطاعت روحی دارند دو تایی دیگر را ندارد آن سهمیه را به او می دهند و چه بسا برعکس.

یکی از دلایلی که اهل بیت مدام و هر سال دعای توفیق حج می کرده اند، این بوده که باید رغبت و دعایش باشد. این استطاعت که باشد ثمراتش برای فرد خواهد آمد.

نکته سوم این که فرد یک سری کارها را باید انجام دهد مثلا اسرار حج را بداند. مهمترین چیز از اسرار حج به نظر فهم توحید ربوبی است. یعنی مطالعه در حوزه توحید است. و باید به صورت نظری فرد نسبت به اسما، تعدادش، معنایش، چرایی، عددش و ارتباطش با توحید ذات و افعال و عبودیت از منظر قرآن اطلاع داشته باشد. باید یک دور یا چند دور نگاه توحیدی به این ماجرا داشته باشد. مطالعه کند. یعنی در چمدانش سوال در حوزه توحید باشد. آن جا که می رود گیرنده ای توحیدی اش فعال می شود و آنچه که خوانده تثبیت می شود. آنچه در کل زندگی انسان باید فعال بشود، نگاه انسان به خدا و عبودیت است. بعد این چیز دیگر در اولویت نیست. آنجا تک تک مواقع انسان را به تنوع اسمی ای که از خداوند است دلالت می دهد.

عرفات: ذو الجلال و الاکرام

طواف: عزیز حمید

واقعا سیری به آدم می دهند، واقعا برای انسان معرکه توحید است. هیچ کتاب توحیدی و متن توحیدی به اندازه حج برای توحید انسان غنی نیست. اگر این را ندانیم، توحید تثبیت نمی شود.

خیلی از زائرینی که می روند پیش پیش نگران فوت فرصت ها هستند. آدم باید آرام و با آسایش باشد. حج ظرفیتی دارد که در ذخیره گاه انسان حسی را ذخیره می کند که هم می تواند قبل هم از بعد به او ملحق بشود. من خیلی چیزها را نفهمیدم، از آن ذخیره گاه دارم استفاده می کنم. مانند اینکه میدانی پول گذاشتی بانک به تو سود می دهد. لذا اصلا نگرانی ندارد.

این نگرانی نشانه سوء ظن به خداست. خدا از این سوء ظن خوشش نمی آید.

بحث سوم هم اینکه جالبی حج این است که همین طور که وارد فضا مدینه و مکه می شوید، مظاهر فسادهای باوری و رفتاری و اخلاقی زیاد است. همه اش هم از ناحیه اهل تسنن نیست. ولی هرچه هست از فساد است حتی از جسمانیت آنها معلوم است مثلاً در نظافت و.. اما این موضوعات نباید ذهن آدم را مشغول کند.

(دقایق انتهایی صحبت ایشان نیامده)

ساعت دوم

چهار رکن اصلی عبارت است از:

تسبیح: نزاهت و برائت از غیر

تحمید: کمال گرایی. میل و رغبت به حسن

تهلیل: نفی وجود از غیر و اثبات صرفاً برای خدا

تکبیر: میل به بی نهایت

همه چیز تجلی ربوبی است.

وجود و هست، صرفاً خداست.

ما یک عدم مطلق داریم یک عدم اعتباری.

لا اله الا هو لا اله الا الله.... لا اله الا انت....

ما جلوه هایی از ربوبیت را می بینیم و هستیم. به این معنی که من خدا نیستم از خدا جدا نیستم.

روایت داریم از امیر المومنین که ناقلانش بسیار زیادند. از جمله ناقلان حضرت زهرا سلام الله علیهاست. که ابن طاووس هم آن را نقل کرده است.

می فرماید: استقبال رکن الیمانی و هوی یقول:.... ها ورب الکعبه

موسیقی متن امیر المومنین رب الکعبه است....

ثم جاز الی الحجر الاسود: ها ورب الکعبه حتی مر بارکان الاربعه و هو یقول ها ورب الکعبه. ثم قال ها ورب الارکان کلها. ها ورب المشاعرها و رب هذه الحرمات سمعت رسول الله یقول هذا الحدیث:

وقتی که قلب ها آماده شد و در طواف گناهان ریخته شد.. برخی احادیث باید در فضای ملکوتی توسط انسان کامل القا شود و معنا شود. اینها را ثبت کنید وقتی به این مکانها رسیدید سفره اش را باز کنید. این را پیشاپیش بفرستید برای کعبه ای که دارید به طوافش می روید. خدایا قصد می کنم یک موقعی رفتم مسجد الحرام این موقعیت برایم پیش آمد این روایت را بگویم که کانه امیر المومنین ایستاده و می خواند:

الذی احدثکم به انه مکتوب فی زبور داود فی تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن محمد ص و علی جمیع انبیا و والمرسلین و علی الف کتاب نزل من الف نبی انه قال من قال لا اله الا الله فی علمه منتها رضاه لا اله الا الله بعد علمه منتها رضاه لا اله الا الله مع علمه منتها رضا الله اکبر فی علمه منتها رضا الله کبر

الحمد لله

سبحان الله فی علمه منتها رضا

و الحمد لله من جمیع محامده من جمیع نعمائه

الله اکبر

گفتند هر کس این دعا را صد بار در عمرش بخواند، با امت واحده توحیدی محشور خواهد شد...

(مطالب ساعت دوم به تمامی ثبت نشده است.)

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات